



# تصمیمات

دوشنبه ۷ اسفند ۱۳۸۵  
۸ صفر ۱۴۲۸  
۲۶ فوریه ۲۰۰۷  
شماره ۲۳۸۵۸



## ساخت حسگر با الهام از سیستم ردیابی ماهیها

دانشمندان با الهام از طبیعت جانوران دریایی قصد دارند تا حسگرهای ویژه ای همچون حسگرهای طبیعی در بدن ماهیها بر روی بدنه زیردریاییها نصب کنند. به گزارش مهر، این حسگرها در حقیقت خطوط کناری نامیده می شود و ماهی ها از آن برای شکار و فرار از شکارچیان استفاده می کنند.

اکنون دانشمندان از این خطوط الگو برداری کرده و مدل مصنوعی آن را در قالب حسگر طراحی و ساخته اند و با نصب آن بر روی بدنه زیر دریایی پیش بینی کرده اند که بر کارایی این وسیله بزرگ زیردریایی افزوده شود.

چانگ لیو، از استادان برجسته مهندسی الکترونیک و رایانه در دانشگاه الینویز گفت: دستاورد جدید ما در خصوص طراحی و ساخت خطوط حسگر با هدف افزایش قابلیت های انسانی برای شناسایی و ردیابی های پیشرفته در مناطق زیر آبی صورت گرفته است. وی افزود: هدف نهایی ما ساخت دستگاه مصنوعی است که در حقیقت نسخه برداری از سیستم بیولوژیکی ماهی ها در ردیابی بهتر محیط اطراف خود است.

بر اساس گزارش زی نیوز، وی ادامه داد: زیردریایی که به این خطوط حسگر مجهز است، می تواند به شیوه ای همچون ماهی ها به شناسایی و ردیابی حرکات زیرآبی و اهداف متحرک و در عین حال پرهیز از برخورد با اشیاء ثابت یا متحرک عمل کند.

## خواب، سیستم دفاعی بدن را تقویت می کند

جدیدترین بررسی های محققان حاکی از آن است که خواب مناسب شبانه، باعث تقویت دستگاه ایمنی بدن افراد می شود. تحقیقات محققان آلمانی روی عده ای افراد داوطلب که برضد بیماری هپاتیت نوع A واکسینه شده بودند، بیانگر آن است که پاسخ دستگاه ایمنی بدن در افرادی که از خواب شبانه کافی و مناسبی برخوردار بودند، به مراتب بهتر از پاسخ دستگاه ایمنی بدن در سایرین است.

بر اساس یافته های این پژوهش، میزان پادتن های تشکیل شده علیه ویروس هپاتیت A در افرادی که خواب شبانه خوب دارند، حدود ۲ برابر سایر افراد است.

پیش از این تأثیر خواب کافی بر متابولیسم بدن و جلوگیری از چاقی و در عین حال کمک به بهبود حافظه و عملکرد مغز ثابت شده بود. محققان امیدوارند که با این کشف بتوان به کنترل بیماری های سیستم دفاعی بدن افراد نیز پرداخت. برخی از کارشناسان معتقدند که خواب کافی باتوجه به اینکه آرامشی در مقابل فشارها و استرس های روزانه به بدن می دهد مفید است زیرا این آرامش برای تقویت سیستم دفاعی بدن لازم است.

## آغاز حراج بزرگ سال در فرهنگسرای نیاوران

با حضور صدها نفر از اهالی هنر، مجموعه داران خصوصی و نمایندگان برخی از دستگاه های دولتی، نمایشگاه بزرگ سال، برای حراج آثار هنرمندان ایرانی در فرهنگسرای نیاوران برپا شده است. در این نمایشگاه که برای نخستین بار در ایران برگزار شده است، دو اثر از آثار ایران درودی با قیمت های ۱۵۰ و ۱۸۰ میلیون ریال حراج می شوند که بالاترین رقم فروش را به خود اختصاص داده است. این تصمیم با هدف بالا بردن سطح قیمت آثار اتخاذ شده است.

روی دیوارهای سالن های سالن های شماره یک و دو فرهنگسرای نیاوران، آثار صد و ۳۳ هنرمند، با مشخصات و قیمت، نصب شده است. روی تابلوی اعلانات ورودی سالن، نیز نام هنرمندان و در مقابل تعداد اثر به فروش رسیده از هر کدام با دایره های قرمز مشخص شده است.

در پایان این آیین به شش بانوی هنرمند پایه گذار این حرکت نو - آریا اقبال، الهه جواهری، فریال سلحشور، لیلی گلستان، والی و ثمری و همچنین رئیس فرهنگسرای نیاوران و مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شاخه گلی اعطا و عکس یادگاری گرفته شد.



# پارادوکس کودک سالم و معلول

● دکتر محمد کمالی  
عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران  
www.mkamali.com

نیز مشمول لطف ایشان نمی شود. در سیستم های شهری، فقدان امکان و معابر مناسب برای تردد، فقدان سیستم های حمل و نقل و عدم امکان استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی برای افراد دارای ناتوانی، در مسکن، در اوقات فراغت، در ورزش، در برنامه های تلویزیونی، چقدر شاهد استفاده نامناسب از کلمات و نقش ها در مورد معلولان هستیم... به نظر همه اینها از همان عبارت اولیه که موضوع سخن من است آغاز می شود: کودک سالم، کودک معلول و جدا ساختن آنها از یکدیگر به بهانه ای مختلف و البته کارشناسی...

سؤال اساسی در این مجال این است: یک کودک نابینا که مراحل رشد خود را دقیقاً بر مبنای جاده سلامتی طی می کند و از رشد روانی و حرکتی مناسبی هم برخوردار است، کودکی سالم است یا؟ کمی جلوتر بیاییم: بسیاری از کودکان دارای ناتوانی هم اکنون در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند، چگونه باید آنها را نامید، سالم یا...؟ این مسیر تا بزرگسالی هم ادامه دارد. برخی پزشکان، مهندسان، معلمان، مدیران، کارمندان و کارگران و... در جامعه دارای معلولیت هستند و به شیوه ای عادی زندگی خود را - البته با تطابق هایی خاص - ادامه می دهند، آنها را سالم بنامیم یا نه؟ آنان را بر روی طیف سلامتی در کجا باید قرار داد؟

بحث دقیقاً بر این نکته استوار است که آیا می توانیم دو کلمه ناتوان و سلامت را مقابل هم قرار دهیم؟ شاید روزگاری این امر بدیهی به نظر می آمد. اما این روزها این قیاس را نمی پذیرند. این حرکت از ۱۹۸۰ در سازمان جهانی بهداشت آغاز شد و با برداشتن بار معلولیت از دوش فرد معلول و ایجاد طبقه بندی ICDH همراه شد. در اواسط دهه ۹۰ با هم اصلاح ذهنیت ها را در پیش گرفتند. بقیه در صفحه ۷

فرد باقی می ماند. به نظر بد نیست بر پدیده برچسب زنی نیز نگاهی کوتاه بیاندازیم. به خوبی میدانید که اصولاً از دیدگاه جامعه شناسی پزشکی این می بحث بسیار مهم و پیچیده است. پزشک با تشخیص خود و زدن برچسب بیماری به فرد، او را برای پذیرفتن نقش جدیدی آماده می کند. فرد با پذیرش بیماری، خود را واجد شرایطی می داند که دیگر اطلاق فرد سالم بر او با مشکل مواجه می شود. تلاش او به همراه تیم درمان، می تواند او را به شرایط قبلی باز گرداند. از این منظر بیمار باید خود نیز برای این بازگشت به حالت سلامت داوطلب باشد، در غیر اینصورت تیم درمانی هم نمی تواند به او کمک کند.

به هر صورت مشکل این برچسب، یک مشکل موقتی است. بیمار با کسب شرایط بهبودی و گذراندن دوره بیماری به زندگی عادی خود باز می گردد و شرایط سلامت را بار دیگر احساس می کند و برچسب نیز به خودی خود از او برداشته می شود. لیکن گاه به دنبال بیماری، حادثه، موارد ژنتیک یا مادرزادی، بعد از دوره درمان، عوارضی در فرد باقی می ماند که زمینه را برای تثبیت برچسب دیگری بر او مهیا می سازد.

برچسب جدید، ناتوانی یا معلولیت است. ناتوانی، بیماری نیست، حالتی موقتی یا زودگذر نیست، گاه پیش رونده است. لیکن آنچه مسلم است، اینکه دائمی است، نوع درمانش از نوع درمان های رایج پزشکی نیست، بلکه باید سراغ توانبخشی را گرفت. اما نکته مهم در برچسبی است که بر فرد زده می شود، معلول، نابینا، ناشنوا - گاه بشکل

موضوع سخن امروز را پارادوکس کودک سالم و معلول برگزیده ام. چرا پارادوکس؟ اصولاً پارادوکس را جایی بکار می بریم که با یک دوگانگی روبرو باشیم. شاید با عباراتی چون، پارادوکس همکاری و رقابت، پارادوکس حماسه و یاس، پارادوکس کاستی و کمال، پارادوکس فرشته آسمانی یا حاصل گناه والدین... برخورد کرده باشید. در منطق، پارادوکس جمله یا عبارتی است که در درون خود، متناقض خود را به همراه دارد، مثل من هرگز راست نمی گویم... در زندگی و زبان روزمره، پارادوکس مفهومی است که مبهم یا متناقض است علیرغم آنکه ممکن است درست باشد. در محیط ویندوز پارادوکس جالبی هست؛ وقتی می خواهید رایانه را خاموش کنید، باید کلید start را کلیک کنید...

پارادوکس حالتی است که دوگانگی موجود در آن، در عمل و مفهوم بسیار مشخص است. نمی توان بر یکسوی ماجرا خط بطلان کشید و سمت دیگر را پذیرفت، هر چند پذیرش یکی باعث افزایش بار بر دیگری و تحت الشعاع قرارگرفتن آن می شود. در همین موضوع سخن ما، وقتی می پذیریم در تمامی محاوره ها، اعم از علمی یا غیر علمی از عبارت کودک سالم استفاده کنیم، بدیهی است همه کودکانی که واجد آن شرایط نباشند، غیر سالم به حساب خواهند آمد و برچسب خاصی خواهند خورد. بنابراین زمانی هم که از کودک معلول سخن بگوییم، پذیرفته ایم که او با دیگرانی که سالم نامیده ایم، تفاوتی دارد و نباید او را وارد محدوده کودک سالم کنیم.

حتماً شنیده اید که می گویند عقل سالم در بدن سالم است. چگونه می توانیم این موضوع را برای کسی که به زعم ما، دارای ناتوانی جسمی یا حسی است، توجیه کنیم؟ بارچنین تعبیرهایی برای همه عمر بر دوش